

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لزوم عقلی امامت

دوره دوازدهم، شماره یک

نام جزوه: لزوم عقلی امامت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	٥
رهبری و عقل.....	٧
فطرت، معرفت و علم.....	٧
راه شناخت منبع صحیح معرفت.....	١٢
برهان عبودیت.....	٢٠

دوره دوازدهم، شماره یک / ۵

پیشگفتار

چه زیباست طبیعتی که جایگاه شکفتن و به بار نشستن و ثمره دادن است.

و چه زیبایند آنان که خود را آراستند؛ شکوفا شدند؛ و با مظاهر وجودشان فضای عالم انسان را عطرآگین و روشن ساخته و راه گلشن حقیقت را به روی عاشقان گشودند.

هر پدیده ای که در صحنه طبیعت ظهور می کند، در تلاش است که خودش و زیباییهای درونی اش را در معرض تماشا گذاشته و بگوید: من کیستم؟ و با ظهورش می گوید که جمال و آراستگی من، نشانه جمال و آراستگی خالق و آفریننده من است.

۶ / لزوم عقلی امامت

انسان، این دارنده روح خدا، سزاوارترین موجودات است به این که حقیقت جمال و صفات نیک و پنهان شده در نفس خود را در معرض دید هر بیننده ای بگذارد و مظهر و نشانه خدای متعال در عرصه صفات و جمال و کمال باشد. البته، این نکته قابل ذکر است که آیه و نشانه خدا و ظهور فعلی اسماء و جمال خداوندی در مرحله اراده و اختیار بودن ممکن نیست؛ مگر در پرتو انسان کامل و الگو قرار دادن او در دو بعد اندیشه و عمل و رهبری الهی.

در این بخش از معارف، ابتدا به دو برهان عقلی در نیازمندی به رهبری الهی و آنگاه به نقل احادیث در وصف اهل بیت (علیهم السلام) خواهیم

دوره دوازدهم، شماره یک / ۷

پرداخت و به ویژگی‌های بازر آن‌ها (واسطه فیض،
واسطه در محبت، عصمت، اعجاز، مکارم اخلاق و...)
اشاره خواهیم کرد.

رهبری و عقل

فطرت، معرفت و علم

تفحص و واریسی باطن وجود خویش و دقت در
ظرافت‌های روح، ما را به زیبایی‌ها و زشتی‌های
بوستان وجودمان آشنا می‌کند. به نظر شما چرا عقل و
شعور، زیبایند و سفاهت زشت است؟ چرا معرفت و
علم زیبا و جهل و نادانی زشت است؟ چرا از داشتن
علم و معرفت، لذت می‌بری و اگر به شما نادان
بگویند، ناراحت می‌شوی؟

۸ / لزوم عقلی امامت

انسان، عقل و شعور، معرفت و علم را کمال؛ و سفاقت و جهل و نادانی را نقص می‌بیند. در واقع آنچه برای انسان زیباست، کمال است و آنچه زشت است، نقص می‌باشد.

لحظه‌ای، از آنچه در اطراف شما می‌گذرد، چشم فروبندید، از افراد فاصله بگیرید، تمام حوادث موجود در ذهن را به فراموشی بسپارید و... و لحظه‌ای با خود خلوت کنید. فقط خودتان باشید، تنهای تنها، شاید بد نباشد که یک چنین لحظه‌ای را داشته باشید. هیچ وحشت نکنید. شما در آن لحظه تنها نیستید، بلکه با خودتان هستید؛ با فطرت پاکتان، که زیبا و لطیف است؛ و در آن لحظه خواهید یافت که لذت روح انسانی شما، از معرفت و علم؛ و رنج

دوره دوازدهم، شماره یک / ۹

شما از جهل و نادانی است. آیا تابه حال اتفاق افتاده که مطلبی را مطابق با واقع بدانید و پس از مدتی، پی ببرید که آنچه را علم می دانسته‌اید خطا بوده و درواقع، خطا، رنگ علم گرفته بوده است؟ راستی، آن هنگام که متوجه شدید که فلان مطلب خطاست، چه حالی به شما دست داد؟ حتماً ناراحت شدید. البته ناراحتی شما بجاست، زیرا فطرت انسانی خطا را نمی‌پذیرد؛ دوست ندارد و از آن پرهیز می‌کند. تا وقتی به خطای خود پی نبرده بودید، راحت بودید، بلکه از این که به فلان مسأله علم و آگاهی داشتید، لذت می‌بردید. اما تا متوجه خطای خود شدید، ناراحتی و رنج شما شروع می‌شود؛ تأسف می‌خورید از این که چرا خطا کرده‌اید. اگر علم به آن مطلب را

۱۰ / لزوم عقلی امامت

خواه با اندیشه و فکر خود به دست آورده باشید. یا از مطالعه کتاب یا در ارتباط با دیگران، همیشه این احتمال وجود خواهد داشت که من خطا می‌کنم؛ در کتاب خطا وجود دارد؛ دیگران خطا می‌کنند. اینجا دو حالت ممکن است برای شما پدید آید:

۱- به حقیقت نمی‌توان راه یافت - اگر حقیقتی وجود داشته باشد- پس نباید توقع و انتظار شناخت حق را داشته باشیم، زیرا احتمال خطا در هر فکر و اندیشه و بیانی وجود دارد.

پس، نگاه ما به هستی، جهان، انسان، نگاهی همراه با خطا و اشتباه است و حیات و زندگی را باید در میان تردیدها، احتمالات، اشتباهات و... گذراند.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۱۱

۲- درصدد برمی آید تا جهت یافتن حقیقت، منبعی مطمئن و دور از اشتباه و خطا پیدا کنید و امیدوار و آرام به جستجو می پردازید.

ان شاء الله که دچار حالت اول نشده‌اید و نمی‌شوید؛ و حتی حاضر به پذیرفتن چنان حالتی نیز نیستید. زندگی کردن در میان اشتباهات و خطاها دون شأن انسان و به‌دوراز قضاوت عقل بوده و موجب رشد و معنویت نمی‌شود. کمال انسانی معلول علم و معرفت، شناخت صحیح از هستی، دنیا، خدا، قیامت، انسان و... است؛ و آنگاه که ما در این مسائل، به منبعی مطمئن وابسته نباشیم و معرفت و علم صحیح را کسب نکنیم، نه تنها انتظاری درزمینهٔ رشد انسانی و اصلاح اخلاقی و ظهور فعلی فضایل نباید داشته

باشیم، بلکه باید انحطاط و افول انسانیت و اخلاق انسانی در جوامع بشری را نظاره‌گر باشیم. پس، شما که دوستدار کمال انسانی در پرتو معرفت صحیح و مطابق با واقع هستید و از رسوخ خطا و اشتباه در شناخت مسائل - بخصوص مسائلی که با سرنوشت انسانی، الهی ما در ارتباط است - رنج می‌برید، به حکم فطرت به جستجوی منبعی می‌پردازید که معرفت صحیح از آنجا اخذشده باشد.

راه شناخت منبع صحیح معرفت

منبع صحیح کدام است؟ عقل، مردم، یا کسی دیگر؟ آیا عقل قادر است معرفت و شناخت صحیح درباره هستی و خصوصیات آن، همچنین دنیا، آخرت، قیامت (مبدأ و معاد) چگونه زیستن و... را به ما

دوره دوازدهم، شماره یک / ۱۳

بدهد؟ و ما را به مسائلی جزئی زندگی - بدون اشتباه
- آگاه نماید؟

به طور کلی، انسان برای خوب زیستن و پیمودن
راه رشد، محتاج به شناخت دو نوع مسائل است.

۱- مسائل نظری ۲- مسائل عملی

مسائل نظری، مسائلی هستند که زیربنای
عقیدتی، فکری، اخلاقی، فرهنگی و... ما را تشکیل
می دهند. در این گونه مسائل، عقل، به شناخت هستی
پرداخته و در نهایت، نتیجه می گیرد که: جهان، واقعیت
دارد؛ این جهان دارای ناظم، مدبر و آفریننده است؛ و
حتی به شناخت برخی از صفات خالق نیز نایل شده
و می گوید: او دانا، حکیم، قادر، مطلق و بی نیاز است.
ولی با همه این ها، عقل، به شناخت مصداق نایل

۱۴ / لزوم عقلی امامت

نمی‌شود. مصداقی چون: خدا کیست؟ آن ناظم و قادر چه کسی است؟ آن هستی مطلق کدام است؟

عقل می‌گوید: برای رسیدن به سعادت، باید طرحی صحیح از زندگی داشته باشی. ولی در شناخت این‌که آن طرح چگونه طرحی باشد و از کجا شروع شود، فرومی‌ماند.

عقل می‌گوید: باید در مسیر مستقیم حرکت کنی تا به مقصد برسی، اما در شناخت این‌که آن مسیر و جاده کدام است و مشخصات آن چیست؟ اظهار عجز و ناتوانی می‌کند.

عقل می‌گوید: باید درست عمل کنی تا به نتیجه صحیح برسی و در زندگی، عادل باشی؛ ولی این‌که درست عمل کردن چگونه است؟ و مصداق

دوره دوازدهم، شماره یک / ۱۵

عدالت کدام است؟ و چگونه به جزئیات ظلم آشنا شویم تا ظلم و ستمی به دیگران روا نداریم را نمی‌تواند پاسخگو باشد. به هر حال، عقل در مسائل نظری به درک کلیات نائل می‌شود، اما در بیان جزئیات ناتوان است.

مسائل عملی آن‌هایی هستند که در حیطه اراده و اختیار ما قرار می‌گیرند؛ و پس از آگاهی و شناخت می‌توان به آن‌ها عمل کرد؛ و عقل تا شناخت صحیح از مسائل نظری نداشته باشد، به شناخت صحیح در حیطه عمل نخواهد رسید. عقل، وقتی در بیان طرح صحیح زندگی عاجز می‌ماند، می‌گوید: باید از آشنای کامل به مسائل زندگی کمک گرفت؛ آشنایی که در گفتار و بیان مسائل خطا و اشتباه نداشته باشد.

و این که آن آشنا و عالم کیست؟ آیا عقل قادر به معرفی اوست؟ مادوستی را انتخاب می‌کنیم و مهر و موم‌های طولانی با او همراه می‌شویم؛ اما هرگز از ضمیر و باطن او آگاه نمی‌گردیم. بعد از چندین سال می‌بینیم کسی را که دوست می‌پنداشته‌ایم در حقیقت دشمن ما بوده است.

عقل، به باطن افراد راه ندارد، بنابراین، نمی‌تواند تشخیص دهد چه کسی دور از خطا و اشتباه است. آنگاه که عقل، خود را در تشخیص چنین فردی عاجز و ناتوان می‌بیند، به بیان مطلبی می‌پردازد و آن این که دانش صحیح - در مسائل نظری و عملی و طرح چگونگی زیستن - را باید از مبدأ غیب و خدای بزرگ که علم مطلق است کسب کرد؛ و چون هر

دوره دوازدهم، شماره یک / ۱۷

کسی قابلیت ندارد که پیام را به طور مستقیم از خدا بگیرد، محتاج به پیام‌آوری از جانب خدا خواهیم بود. ما اعتقاد داریم که خداوند بر اساس حکمت خویش، انبیا و رسولانی را به سوی مردم فرستاد تا پیام او را -در مسائل نظری و بخصوص علمی- به مردم برسانند.

و نیز اعتقاد داریم که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) معصوم بوده و پیام الهی را بدون کم‌و زیاد به مردم رسانده است؛ و هم او منبع مورد اعتماد در مسائل نظری و عملی است. بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) منبع مورد اعتماد و بدور از خطا و اشتباه کیست؟ آیا عقل است؟ در صورتی که عقل به شناخت بسیاری از مسائل نایل

نمی شود. آیا مردم هستند؟ در صورتی که اگر مردم از خطا و اشتباه به دور بودند و مسائل را درک می کردند و راه حق را می یافتند، محتاج به پیامبر نبودند؛ در حالی که مردم، محتاج به شناخت صحیح مسائل اند، عقل، شخص خاصی را هم نشان نمی دهد، زیرا که قادر به تعیین فرد معصوم نیست و فرد غیر معصوم هم با دیگران یکسان است؛ سخنش مورد اعتماد نیست؛ احتمال خطا، اشتباه، دروغ و تزویر در او وجود دارد. اکنون که ما به باطن افراد راه نداریم، چه کسی باید اسلامی را آن گونه که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) آورده است معرفی کند تا سخن او مورد اعتماد باشد؟ اینجاست که عقل می گوید: چنین فردی باید کسی باشد که عالم به

دوره دوازدهم، شماره یک / ۱۹

قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده و در فهم و بیان مسائل اشتباه نکند و به تحریف اسلام نپردازد. خطای در شناخت نداشته باشد تا سخن او برای مردم حجّت باشد. او چه کسی است؟ عقل می‌گوید: من قادر به فهم او نیستم؛ خدا باید او را به وسیله رسولش - که اعتقاد به عصمت او داریم - معرفی نماید. اگر کسی گفت: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شخصی را معرفی نکرده است، آیا عقل می‌پذیرد؟ این سؤالی است که به‌زودی آن را پاسخ خواهیم داد.

فطرت انسانی ما خواهان معرفت صحیح و دور از خطا و اشتباه است؛ معرفتی که مطابق با واقع باشد؛ و ما، در شناخت دین - که طرح زندگی و چگونه

۲۰ / لزوم عقلی امامت

زیستن را ارائه می‌دهد و به بیان مسائل نظری و عملی می‌پردازد- محتاج به شخصی هستیم که مورد اعتماد باشد؛ خطا نکند؛ اشتباه نکند؛ راست گو باشد؛ به همه معارف آشنا باشد. این شخص بعد از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) چه کسی می‌تواند باشد؟

برهان عبودیت

آیا راجع به هستی، جهان، دنیا و خودتان فکر کرده‌اید؟ شما به عنوان یک مسلمان، جهان را چگونه می‌بینید؟ البته پاسخ شما بر اساس بینش اسلامی، این خواهد بود که: جهان، حق است؛ انسان حق است و هر دو را خدای حکیم آفریده است.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۲۱

« خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ... »^۱؛

خدا، زمین و آسمانها را به حق (و نظم احسن) آفرید
و شمارا به بهترین صورت برنگاشت.

اندیشه شما درباره جهان این است که: جهان،

فعل و کار خداست و در هستی و بقای خود به خدا
وابسته است؛ و این وابستگی، تنها در اصل هستی و
موجود شدن نیست؛ بلکه در بقا و فرمانبری و نیز به
خدا وابسته می باشد.

«... وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً

وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۲؛ هر که در آسمانها و زمین

۱. سوره تغابن، آیه ۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲۲ / لزوم عقلی امامت

است، خواه ناخواه منقاد فرمان خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد.

هر موجودی به مقتضای هستی اش خدا را تسبیح می گوید.

« يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... »^۳؛

هر چه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه (به زبان تکوین و منطبق فطرت) به تسبیح و ستایش خدا مشغول‌اند.

بنابراین، نظام جهان، نظام وابستگی خالص و فرمان‌بری محض از خدای متعال است. به عبارت دیگر، قید عبودیت و بندگی در ذات هر وجودی نهاده شده و امری فطری است؛ و این است سنت تغییرناپذیر خدا در جهان و انسان نیز به‌عنوان

دوره دوازدهم، شماره یک / ۲۳

پدیده‌ای در جهان هستی از سنتّ فوق جدا نیست؛ او نیز باید به مقتضای هستی خویش و از روی اختیار و اراده، مطیع و فرمان‌بردار خدا باشد؛ و اطاعتش را بر اساس معرفت و شناخت صحیح به منصفه ظهور برساند.

اصبغ بن نباته گفت: امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) فرمود: «بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَيُعْبَدُ»؛ همانا خدا به سبب علم، اطاعت و عبادت می‌شود.

حرف «با» در «بالعلم» نحوه رابطه و طریق اطاعت و بندگی را بیان می‌کند و بیانگر آن است که

۲۴ / لزوم عقلی امامت

واسطه در اطاعت و عبادت، دانستن، علم و آگاهی است.

وابستگی انسان به خدا در پدید آمدن و درماندن، یک حقیقت انکارناپذیر است و قید عبودیت و بندگی - که همان وابستگی می باشد - بر وجود این موجود نهاده شده است. بنابراین، اراده و اختیار موجود در انسان باید هماهنگ با اصل هستی انسان باشد و شرط در تحقق اصل بندگی، علم و معرفت است. پس، به حکم بینش اسلامی، شکی در این نیست که بندگی ما که توأم با علم و معرفت است، باید مطابق خواست خدا بوده و حرکت و زندگی ما نیز در جهت رضای خدا باشد. در غیر این صورت، از عبودیت خارج شده، برخلاف سنت

دوره دوازدهم، شماره یک / ۲۵

حاکم بر نظام هستی عمل خواهیم کرد. رسیدن به مقصد انسانی و کمال معنوی در گرو شناخت خواسته خدا و بندگی کردن برای اوست. در اینجا با یک سؤال روبرو می‌شویم و آن این‌که: در شناخت و فهم خواسته خدا از چه کسی کمک بگیریم؟

در این جهت، باید به منبع مورد اعتمادی مراجعه کنیم که هیچ‌گونه خطا و اشتباه در گفتار و عمل نداشته باشد و چنین فردی است که می‌تواند الگو و سرمشق ما در مقام عبودیت و در تمام ابعاد زندگی باشد؛ و چنانچه احتمال خطا در گفتار و عملش بدهیم، کافی است که سخن و رفتارش برای ما حجت نباشد؛ و در چنین حالتی ما نمی‌توانیم به معرفت صحیح دست‌یابیم و نیز نمی‌توانیم روش

درست عمل کردن را بیاموزیم. به عبارت دیگر، ما نمی‌توانیم به قرب خدای متعال نایل شویم.

منبع مورد اعتماد برای ما، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) است که از طریق وحی، خواسته و دستور خدا را به مردم می‌رساند، بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شخص مورد اعتماد کسی است که در مقام جانشینی آن حضرت باشد و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را بیان کند؛ قرآن را برای مردم تفسیر نماید؛ احکام عبادی، سیاسی، معاملاتی، اخلاقی آن را مطابق خواست الهی و به گونه‌ای که برای ما حجت قرار بگیرد و ملزم به اطاعت باشیم، برای ما بیان کند.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۲۷

و اما چه کسی تعیین کننده چنین خلیفه‌ای است؟ آیا عقل؟ یا شورا و آرای عمومی؟ یا خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله وسلم)؟
در پاسخ این سؤال باید گفت:

۱- عقل، که ما را به منبع مورد اعتماد و دور از خطا و اشتباه می‌خواند، قادر به تشخیص فرد و مصداق آن نیست.

۲- تعیین فردی به‌عنوان جانشین از طریق شورا و آرای عمومی، از سه حالت خارج نیست.

الف) یا آن فرد از نظر علمی و تقوایی در سطح مردم است.

ب) یا آن فرد از نظر علمی و تقوایی پایین‌تر از مردم است.

ج) یا آن فرد از نظر علمی و تقوایی بالاتر از مرد است.

اگر فرد حالت اول و دوم را داشته باشد، انتخاب او لغو است، زیرا در حالت اول، قادر نیست بیش از آنچه مردم می‌دانند، به آن‌ها بیاموزد و برای آن‌ها الگو باشد و در حالت دوم، خود، محتاج به آموختن از مردم است. پس، در هر دو حالت، مورد اعتماد نیست و صلاحیت رهبری را ندارد و در حالت سوم اگر بالاتر بودن از مردم فقط در یک یا چند رشته از علم و تخصص باشد و در بسیاری از مسائل مهم مربوط به دین و حیات انسانی ناآگاه باشد، چنین فردی صلاحیت ندارد به عنوان جانشین و منبع مورد اعتماد در بیان سنت رسول خدا (صلی الله

دوره دوازدهم، شماره یک / ۲۹

علیه وآله وسلم) واحکام سیاسی، عبادی، معاملاتی، اخلاقی باشد، و عملش نیز حجت نیست.

سؤال: قرآن مجید، ما را امر به مشورت کرده است؛^۱ و اگر کسی را از طریق شورا و یا آرای عمومی برگزینیم، به حکم قرآن عمل کرده ایم؛ و باید از او اطاعت کنیم. خواه عالم باشد یا نباشد؛ عادل باشد یا نباشد؛ در سطح مردم باشد یا پایین تر از مردم.

پاسخ: در پاسخ به این سؤال، به چند مطلب اشاره می‌کنیم.

۱. سوره شورا، آیه ۳۸ «و امرهم شورای بینهم...».

۳۰ / لزوم عقلی امامت

اسلام، مکتبی است جامع که از جانب خدای حکیم و دانا بر نبی گرامی‌اش حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وحی شده است. پس، در این مکتب:

الف) احکام، باید در جهت تقویت و بقای آن باشد نه نفی زوالش.

ب) احکام باهم تضاد نداشته باشند.

ج) غرض از فرستادن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دین - که هدایت مردم و رساندن آنها به قرب الهی است - حاصل شود. به عبارت دیگر، مردم در پرتو آن دین، به مقام عبودیت نایل آیند؛ نه این که از آن مقام خارج شوند.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۳۱

(د) پاسخگوی تمام مسائل فکری و عملی مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها - تا روز قیامت - باشد.
(ه) محل اعتماد و تکیه‌گاه مظلومین و علیه ظالمین و ستمگران باشد.

با توجه به چند نکته فوق، اگر فرد منتخب شورا و یا آرای عمومی - که به‌عنوان مقام امامت و جانشینی برگزیده می‌شود- فردی باشد که در علم و عمل مورد اعتماد نباشد، آیا نکات فوق تحقق خواهند یافت؟ و مردم هدایت خواهند شد؟ به مشکلات مردم در مسائل، پاسخ داده خواهد شد؟ و آیا تکلیف مردم در برابر خدای یکتا معین خواهد گشت؟ و مظلومین به حقوق خودشان دست خواهند

یافت؟ و آیا حدود الهی جاری خواهد شد؟ و مردم به مقام عبودیت خدای متعال راه خواهند یافت؟! لحظه ای بیندیشید؛ پاسختان منفی خواهد بود. چون فردی که دور از علم و دانش و دور از تقوای الهی باشد، هرگز قادر نخواهد بود که بیان‌کننده خواسته‌های الهی و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد و الگوی فکری و عملی و تقوایی امت اسلام و جامعه الهی قرار بگیرد. اگر آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» می‌گوید: در امور اجتماعی خود به مشورت بنشینید، آیه دیگری می‌گوید: «لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ عهد و پیمان من به ستمگران نمی‌رسد؛ و نیز می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ

دوره دوازدهم، شماره یک / ۳۳

يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ^۱؛
کسی که خدا و رسولش را نافرمانی کند و از حدود
و احکام الهی تجاوز نماید، (خداوند) او را به آتشی
افکند که همیشه در آن معذب است و همواره در
عذاب خوارکننده و ذلت خواهد بود.

و نیز: « وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ^۲ »؛ هر که به خلاف آنچه از طرف خداوند
نازل شده، حکم کند، همانا از فاسقان است.

و نیز: « وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْكَافِرُونَ^۱ »؛ هر کس مطابق آنچه خدا نازل فرموده
است حکم نکند، از کافران خواهد بود.

۱. سوره نساء، آیه ۱۴.

۲. سوره مائده، آیه ۴۷.

و نیز: «و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم
الظالمون»^۱

و آیات بسیاری که نهی از فحشا و منکرات
می کند.

اگر آیه « وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ » را مطلق گرفته
و منتخب شورا را امام و جانشین رسول خدا (صلی الله
علیه وآله وسلم) بدانیم، هر چند ناآگاه و تهی از
تقوی الهی شد، نتیجه اش این خواهد بود که: تمام
آیاتی که ما را از پیروی فاسق، جاهل، ظالم و از
معصیت خدا و... نهی کرده است، کنار بگذاریم؛ و
این، نقض دین است به وسیله خودش و نقض غرض
است از آمدن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و دین.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۳۵

در صورتی که چنین مطلبی را بپذیریم، حکمت خدا را نادیده گرفته و یا عملاً منکر آن شده‌ایم. در حالی که علم داریم به این که خدای متعال، کمال مطلق بوده و از او فعلی خلاف حکمت صادر نمی‌شود.

پس، باید آیه « **وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ** » را در کنار این آیات قرار داده و بگوییم: فرد دور از شرایط لازم جانشینی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از مصادیق این آیه نیست و انتخاب فرد دارای شرایط (عالم، عادل و معصوم) از توان شورا و آرای عمومی خارج است، زیرا شناخت چنین فردی از طریق تجربه و تعقل غیر ممکن است.

پس، مأمور و مکلفیم که راه خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را برویم؛ و بعد از

۳۶ / لزوم عقلی امامت

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به شخصی اقتدا کنیم که الگوی فکری و عملی ما در معارف الهی و سنت و سیره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد تا غرض از دین که رسیدن به قرب الهی و ظهور فعلی انسانیت است تحقق یابد.

« قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا

يُحِبُّ الْكَافِرِينَ »^۱؛ بگو (ای پیامبر!): خدا و رسولش را پیروی کنید، پس، اگر (از فرمان آنها) سرپیچی کردند، به کفر گرویده اند، پس به راستی که خداوند کافران را دوست ندارد.

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۲.

دوره دوازدهم، شماره یک / ۳۷

اگر دین خدا به دست غیر اهلش رهبری شود،
تبدیل به دینی غیر الهی خواهد شد و آنگاه مشمول
این آیه قرار خواهیم گرفت:

« فَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ... »^۱؛ آیا در
جستجوی غیر دین خدا هستند؟

« وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ »^۲؛ و کسی که جز اسلام، دینی
را اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و در
آخرت از زیانکاران خواهد بود.

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۵.

برای شناخت فرد معصوم - که در بیان مسائل نظری و عملی دین مورد اعتماد باشد - بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) یک راه وجود دارد و آن، معرفی خدا به پیامبرش و ابلاغ آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) به مردم است.

در فصل بعدی، به این مطلب خواهیم پرداخت که آیا خداوند چنین شخصی را توسط رسولش (صلی الله علیه وآله وسلم) به مردم معرفی فرموده یا نه؟

پایان